

سخنای
مقام معظم رهبری
حضرت آیت الله خامنه‌ای

نماز جمعه معنویت و آگاهی



اشاره

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه سراسر کشور در تاریخ پنجم مرداد ۸۱، درباره‌ی منزلت معنوی و عبادی نماز جمعه و همچنین نقش آگاهگرانه آن در رویارویی با شگردها و ابزارهای تبلیغاتی آمریکا سخنانی فرمودند که بخشهای عمده‌ی آن از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

خدمت به نماز جمعه، خدمت به دین و تقواست؛ چون نماز جمعه، برای گسترش تقوا و روح دینی در مردم است؛ همچنانکه خدمت به نماز جمعه، خدمت به آگاهی سراسری ملت ایران است؛ چون نماز جمعه، یک عمل صرفاً عبادی نیست، عملی است که در ذات و ترکیب خود، آگاهی بخش است؛ هم اجتماع عظیم مسلمانان را هر هفته تشکیل می دهد و به رخ دوست و دشمن می کشد، و هم به وسیله ی خطیب جمعه، اوضاع و احوال سیاسی برای آنها تشریح و تبیین می شود. حقیقتاً، نماز جمعه در اسلام، ترکیب عجیبی است. از یک طرف، توصیه ی مردم به تقوا و پاکدامنی و اعراض از هواهای نفسانی است و از طرف دیگر، آگاه کردن مردم از جریانهای سیاسی و توطئه های دشمنان و نیازهای دوستان و اوضاع دنیای اسلام است. قدر این فریضه ی عظیم را باید خیلی دانست.

امروز به برکت انقلاب اسلامی و با هشیاری امام بزرگوارمان، نماز جمعه به یک سنت پایدار در کشور تبدیل شده است. قبل از نظام اسلامی، مردم ما با معنا و حقیقت نماز جمعه آشنا نبودند. این، لطف خدا بر ملت ما بود. و یکی از برکات انقلاب اسلامی محسوب می شود. که ما توانستیم این دریچه ی دلگشا به سمت معنویت و آگاهی را به روی خود باز کنیم.

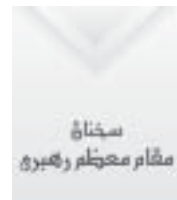
مردم باید نماز جمعه را قدر بدانند و ائمه ی جمعه و دیگر دست اندرکاران هم، باید جاذبه های نماز جمعه را روز به روز بیشتر کنند. نسل جوان ما تشنه ی حقیقت، فهمیدن و آگاه شدن است. نمازهای جمعه باید بتواند این تشنگی را به نحو نیکوتر به انجام برساند. باید به نیاز عمومی نسل جوان، پاسخ داد. اگر با نگاه متدبرانه یی به اوضاع کشور خود و گذشته و آینده ی آرمانی آن نگاه کنیم، نقش نماز جمعه و اهمیت این فریضه را بیشتر درک خواهیم کرد.

پایه ی همه ی خیرات در جامعه، تقواست. تقوای فردی، یعنی هرکس بین خود و خدا سعی کند از جاده ی صلاح و حق تخطی نکند و پا را کج نگذارد. تقوای سیاسی، یعنی هرکس که در کار سیاست است، سعی کند با مسائل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دلسوزی برخورد کند. سیاست به معنای پشت هم اندازی و فریب و دروغ گفتن به افکار عمومی مردم، مطلوب اسلام نیست. سیاست یعنی اداره ی درست جامعه؛ این جزء دین است. تقوای سیاسی، یعنی انسان در میدان سیاست صادقانه عمل کند. تقوای اقتصادی، یعنی اگر هرکس برای گذران زندگی و ضمناً آباد کردن محیط خود مجبور است تلاش اقتصادی داشته باشد، راه درست را انتخاب کند. غصب کردن، حرامخوری، دست اندازی به مال دیگران - بخصوص به اموال عمومی - از دستاورد عمومی مردم به نفع جیب خود استفاده کردن و احیاناً زرنگیهایی که علی الظاهر در چارچوب قانون هم می گنجد - اما خود انسان می داند که باطن آن چقدر فاسد و تباه است - اینها خلاف تقوای اقتصادی است. تقوای اجتماعی، یعنی برخورد با مردم در محیطهای

مختلف - چه محیط کسب، چه محیط معاشرت، چه محیط خانواده، چه محیط مدرسه و دانشگاه، چه محیط اداری - همراه با انصاف و خدا ترسی و امانت و صداقت باشد. اگر این نمونه ها در جامعه تحقق پیدا کند و عملی شود، اکثر مشکلات مادی و معنوی مردم برطرف خواهد شد. تقوا و پرهیزکاری، یعنی گستره ی وسیع عملهای خوب، اقدامهای خوب، فعلهای خوب و ترکهای خوب.

یکی از مهمترین سرفصلهای نماز جمعه، توصیه به تقواست. البته این گونه تقوا، فقط با گفتن و توصیه کردن تحقق پیدا نمی کند؛ هرچند گفتن و توصیه کردن، نقش مهمی دارد و نباید از نقش بیان و نصیحت و انذار و تبشیر - که شغل پیغمبران است - غافل بود؛ اما توصیه ی واقعی به خود ما، چه ما به عنوان خطیب جمعه، چه ما به عنوان کارکنان و خدمتگزاران نماز جمعه، چه ما به عنوان طراحان و راه اندازان بخشهای مختلف نماز جمعه، این است که در عمل و رفتار خود حداکثر تلاش را بکنیم که این تقوا فقط در زبان ما ظاهر نشود، بلکه در عمل ما هم ظاهر شود. ببینید، در اسلام عزیز اینها راههای خیلی طبیعی برای هدایت و اداره ی درست جامعه و کشور است.

در بخش آگاهی رسانی هم مسئله، بسیار مهم است. در نماز جمعه، مردم باید با جریانات و مسائل جهان اسلام آشنا شوند و حقیقت را بفهمند. این مطلب همیشه همین طور بوده است، اما امروز از همیشه مهمتر است؛ چرا؟ چون دستگاههای سلطه طلب و مستکبران دنیا پول خرج می کنند برای اینکه بتوانند حرف دروغ و شایعه پراکنی و فریب و ترفندهای گوناگون تبلیغی خود را به گوش مردم دنیا برسانند، و افکار آنها را از راه حق منحرف کنند. چقدر در دنیا خلاف حق گفته می شود. رادیوهایی که این طور پول خرج می کنند و بودجه های دولتی برای آنها می گذارند، برای این است که افکار مردم را در نقطه یا نقاطی از دنیا از جاده ی حقیقت منحرف کنند و مطالب را به آنها وارونه تحویل دهند؛ و چون انسان دنبال تشخیص و فهم خود راه می افتد، فهم مردم را عوض کنند تا مسیر آنها عضو شود. در چنین شرایطی، آگاه کردن مردم خیلی مهم است. اینکه بنده مکرر به مطبوعات و رسانه ها توصیه می کنم که با مسائل کشور مسئولانه برخورد کنند، به خاطر همین است. دشمن می خواهد مطالب خود را در بین مردم به دروغ و فریب منتشر کند. ما نباید عامل دشمن شویم و کار دشمن را آسان کنیم و همان چیزی را که او می خواهد در فضای فکری و فرهنگی جامعه ی ما به وجود بیاورد، در داخل کشور به وسیله ی مطبوعات، رسانه ها و تریبونها به خورد مردم بدهیم. این خطای خیلی بزرگی است، که اگر عمداً و با توجه صورت بگیرد، خیانت بزرگی است؛ و اگر از روی غفلت باشد، خطای بزرگی است. باید خیلی آگاه و مراقب بود. امروز، شگرد سلطه طلبی آمریکا و دستگاههای جهنمی صهیونیستی در دنیا، همین است. شما ببینید در فلسطین اشغالی بدترین جنایتها و هولناکترین کشتارها را علیه مردم مظلوم و مغضوب فلسطین انجام می دهند، اما در افکار عمومی، فلسطینی را ظالم، و مهاجم و



جدا کنند. البته، سعی خود را کرده اند، ولی مسلم است که نخواهند توانست. مردم، ایمان و پابندی خود را به دین، اعتقادات و ارزشهای والای اسلامی نشان داده اند و امروز از الفاظ به ظاهر زیبایی که دشمنان این ملت بر زبان جاری می کنند، فریب نمی خورند. شما می بینید امروز در تبلیغات آمریکاییها و اظهاراتشان - نه فقط در سطح رسانه ها، بلکه در سطح رؤسا و نمایندگان و رئیس جمهورشان و دیگران - از اصلاحات در ایران اسم آورده می شود. اصلاحات، کلمه ی قشنگی است. آن اصلاحی که آمریکاییها می خواهند در ایران انجام بگیرد، عین فساد است. آنها می خواهند نظام جمهوری اسلامی را که تبلور ایمان مردم و استقلال خواهی آنهاست، از بین ببرند. اصلاحات به نظر آمریکاییها، یعنی از بین رفتن نظام جمهوری اسلامی. آنها می خواهند ملت ایران روی خون شهیدانشان قدم بگذارند، ایمان و عقاید و باورهای خود را لگدمال کنند، و به تاریخ و گذشته ی خود پشت کنند، و در مقابل فشار سیاسی و تبلیغاتی تسلیم شود. آنها با هر اصلاح واقعی در این کشور مخالفتند. شما ببینید وقتی مبارزه ی با فساد مطرح می شود و دستگاههای اجرایی و قضایی در راه مبارزه ی با فساد اقدام می کنند، از طرف همین دستگاههای تبلیغاتی دشمنان و عواملشان در داخل، علیه این حرکت جنجال و هیاهو شروع می شود. اینها طرفدار اصلاحند؟ مبارزه ی با فساد را با انواع تهمتیها متهم می کنند، برای اینکه انجام نگیرد. چرا؟ چون، این یک کار اساسی در کشور است.

ما سال گذشته مسئله ی اشتغال را مطرح کردیم، امسال هم روی آن تأکید کردیم و جلسات متعددی تشکیل شد و مسئولان دولتی با جدیت دنبال این کار را گرفتند. اما دشمنان برای اینکه حواس مسئولان را پرت و ذهنها را به جاهای دیگر منحرف کنند، انواع و اقسام کارهای خباثت آمیز و رذالت بار را در تبلیغات خود انجام دادند، برای اینکه موضوع اشتغال، اصلاح معیشت مردم و رفع بیکاری از جوانهای کشور تحقق پیدا نکند. از نظر آمریکا، اصلاح طلبان، نقابدارانی هستند که به خیابانهای تهران بیایند و شیشه های مغازه ی مردم را بشکنند یا اتومبیل مردم را آتش بزنند. هرکس در هر گوشه یی از کشور علیه مصالح این ملت، انقلاب و امام حرفی بزند، از نظر آنها اصلاح طلب است. من اصرار دارم که جناحهای سیاسی حساب خود و شعارهای خود را از حساب آمریکا جدا کنند، و روشن کنند که آنچه آمریکاییها می گویند، چیست و آن چیزی که آنها می خواهند، چیست. اصلاحات باید تعریف شود. اصلاح واقعی در این کشور این است که فقر ریشه کن شود، تبعیض وجود نداشته باشد، و فساد اداری و اقتصادی نباشد. در راه این چیزها، مانع تراشی می کنند. آنگاه، برای ملت ایران دل می سوزانند.

امروز مردمی ترین حکومتی که ما می شناسیم، حکومت جمهوری اسلامی است. پایه های این حکومت، فقط آراء مردم نیست؛ آراء و عواطف و ایمان مردم، پایه های نظام مقدس جمهوری اسلامی است. مقدس است، به خاطر اینکه با ایمان

جلاد فلسطینی را مظلوم جلوه می دهند. امروز، این گونه از تبلیغات بهره می برند. دشمنان علیه هر چیزی که با سلطه طلبی و منافع نامشروع آنها تقابل داشته باشد، تبلیغات می کنند. در داخل کشور ما هم، همین طور است. راهی که اینها برای مقابله ی با این ملت بزرگ و عظیم الشان و این نظام و کشور عزیز ما در پیش گرفته اند و تشخیص داده اند، همین تبلیغات است. اینها می دانند که اگر در این کشور مداخله ی نظامی بکنند، این ملت آن چنان توی دهن آنها خواهد زد که پشیمان بشوند. می دانند که محاصره ی اقتصادی و تلاشهای اقتصادی هم که تقریباً بیست و سه سال است علیه ما دارند اعمال می کنند، اثر چندانی ندارد.

محاصره ی اقتصادی موجب می شود که نیروهای مؤمن و با اخلاص و پراستعداد داخل کشور، بیشتر به تحرک و ادار شوند و تلاش کنند؛ کما اینکه در دوران جنگ تحمیلی که ما را محاصره کردند و ملت ما به ابزارهای جنگی احتیاج داشت، جوانها و مغزهای متفکر ما دنبال ساخت ابزارهای جنگی رفتند و چیزی را که آن روز لازم داشتند، تولید کردند. در بخشهای گوناگون دیگر هم وقتی ملتی را محاصره کنند، آن ملت بیشتر به خود و درون خود متوجه می شود و سعی می کند از استعداد درونی خود استفاده کند. پس، این هم فایده ی آنچنانی ندارد. البته، به ملت لطمه می زند، لیکن آن چیزی که آنها می خواهند، تأمین نمی شود.

به طور خلاصه، دشمنان به چند چیز امید بسته اند که هم ملت ایران و هم عناصر سیاسی، باید به آن توجه کنند. اولین هدف آنها، این است که ملت را نسبت به نظام اسلامی دلسرد و ناامید کنند. بیشتر تبلیغات و شایعه پراکنی آنها، متوجه این هدف است.

نقطه ی دومی که به آن امید بسته اند، این است که بتوانند اعتقادات و ایمان مردم را که موتور حرکت آنها در گردنه های سخت بوده است، خاموش کنند و از مردم بگیرند.

هدف سوم، این است که تا آن جایی که می توانند، کاری کنند که مشکلات معیشتی مردم - که دستگاههای اجرایی و مسئولان دولتی و غیره تلاش می کنند آنها را برطرف کنند - حل نشود. از یک طرف با شایعه پراکنی و تبلیغات سوء علیه نظام و انقلاب و امام و ارزشهای انقلابی، مردم را بدبین و ناامید کنند؛ از طرف دیگر با تلاشهای گوناگون مانع از اصلاح امور مردم شوند و نگذارند مشکلات مردم برطرف گردد؛ از یک طرف هم هر ضعیفی که در کشور وجود داشته باشد - ولو ضعفهایی که مدیران اجرایی و دولتها دارند - آن را به نظام اسلامی نسبت دهند.

با مجموع این کارها، می خواهند این ملت را که پشتوانه ی واقعی و حقیقی این انقلاب و نظام است، از انقلاب و نظام

مردم سر و کار دارد، و با آن پیوند و گره خورده است. در عین حال، می‌گویند این نظام، غیرمردمی است. همینها هستند که از نظامهای کودتایی، استبدادی و کشورهای که هرگز هیچ مجلس و آراء و انتخاباتی به خود ندیده‌اند، حمایت می‌کنند. همینها هستند که از اسرائیل غاصب، با اینهمه جلادی، حمایت می‌کنند. امروز، آمریکا صلاحیت ندارد راجع به مردم سالاری حرف بزند.

دولت آمریکا صلاحیت ندارد راجع به اصلاح کشورها، سخنی بر زبان جاری کند. خود آنها کانون فسادند. امروز، بزرگترین مبارزه‌ی با آمریکا، کار کردن و تلاش کردن و مجاهدت برای اصلاح امور کشور است. آمریکاییها این را نمی‌خواهند. مسئولان دولتی و بخشهای مختلف باید برای ایجاد اشتغال و مبارزه‌ی با فساد و باز کردن گره‌های امور معیشت مردم و رونق دادن به اقتصاد کشور، حقیقتاً کار و تلاش کنند. هر کس در این زمینه‌ها مجاهدت و کار کند، بزرگترین مبارزه را با آمریکا کرده است؛ چون آمریکاییها نمی‌خواهند گره‌های این کشور و این ملت باز شود. آنها می‌خواهند این مشکلات بماند.

مسئولان دولتی باید فرصت کار را خیلی مغتنم بشمارند. فرصت حقیقی این است. تأمین کردن کشور در مقابل تهدید آمریکا، به این است که مسئولان دولتی هر چه می‌توانند، برای مردم صادقانه کار کنند و این فرصت را مغتنم بشمارند. گاهی انسان از بعضی‌ها می‌شنود که اسم فرصت را می‌آورند، اما مرادشان فرصت تسلیم در مقابل آمریکاست. آقا، فلان فرصت را از دست دادیم. چه فرصتی؟ تسلیم شدن در مقابل زورگویی و زیاده‌طلبی یک جهان‌خوار و یک قدرت متکبر، هیچ افتخاری ندارد و هیچ وقت فرصت محسوب نمی‌شود. هر چیزی که برای این کار فرصت تلقی شود، برای منافع ملی یک تهدید است؛ فرصت نیست. فرصت، یعنی فرصت کار برای مردم. فرصت، یعنی فرصت مقابله کردن با عوامل و ایادی و ابزارهای آمریکا و دشمن در داخل کشور.

نمونه‌ای از آن را شما ملاحظه کردید و از رسانه‌ها شنیدید. اینها ایادی مرموز دشمنند. این، همان چیزی است که من از هفت، هشت سال قبل، مرتب به مسئولان فرهنگی هشدار داده و گفته‌ام که سر انگشتان دشمن دارند برای تسخیر فرهنگی کشور و استحاله‌ی فکری مردم تلاش می‌کنند. الان، ببینید اعترافها و حقایق دارد آشکار می‌شود.

مسئولان دولتی و قضایی باید با کسانی که شایعه‌پراکنی می‌کنند و دروغ به خورد مردم می‌دهند، برخورد کنند. تعجب این است بعضیها با حرکت مبارزه‌ی با فساد هیچ همراهی نمی‌کنند، بلکه با آن معارضه هم می‌کنند. همینها شایعه‌ی فساد فراگیر را منتشر می‌کنند؛ یعنی هم مردم را بدبین می‌کنند، که گویا الان موج فساد همه جا را گرفته است؛ هم عملاً در مبارزه‌ی با فساد - در همان جاهایی که فساد هست - اختلال می‌کنند. این، دیگر نمی‌تواند قابل گذشت باشد.

هم دستگاههای دولتی - قوه‌ی مجریه - هم قوه‌ی قضاییه و هم مجلس، باید به وظایف خود بیشتر توجه کنند. مسئولیت رهبری در قبال مردم این است که مسئولان قوای سه‌گانه را به وظایف حقیقی خود توجه دهد و اگر یک وقت خواستند حرکتی بکنند که به انحراف نظام و کشور منتهی می‌شود، به آنها هشدار و تذکر دهد.

مسئولیت امور جاری کشور به عهده‌ی دستگاههای ذی‌ربط است - دولت، قوه‌ی قضاییه و مجلس - اما مسئولیت رهبری فراتر از اینهاست؛ مسئولیت بسیار سنگینی هم هست. آنجایی که مسئولان و مدیران در قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضاییه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی بخواهند حرکتی را شروع کنند که با اهداف نظام اسلامی معارض است، رهبری باید در مقابل آنها سد شود؛ و به فضل الهی خواهد شد. اینکه بوقهای تبلیغاتی استکباری علیه رهبری بسیج شوند و بعضی از عوامل داخلی از روی غفلت یا خدای نخواستہ از روی آگاهی با آنها همصدا شوند، موجب نمی‌شود که انسان این مسئولیت عظیم الهی را از یاد ببرد. ما به قیامت و سؤال الهی و مؤاخذه‌ی الهی اعتقاد داریم؛ مؤاخذه‌ی زید و عمرو اهمیتی ندارد.

ملت بزرگ ما نشان داده که پای اسلام و انقلاب و ارزشهای اسلامی ایستاده است؛ درست هم فهمیده است. امور این کشور را جز اجرای مقررات عادلانه و فاخر اسلامی، چیز دیگری حل نخواهد کرد. جلوی سلطه‌ی دشمن و تسلط دیکتاتوری ظالمانه‌ی را که دشمن می‌خواهد در این کشور برقرار شود، هیچ چیزی جز اسلام نمی‌گیرد.

دشمن می‌خواهد در کشور هرج و مرج شود، بی‌ایمانی باشد، بی‌اعتمادی به حکومت باشد، و در سایه‌ی این هرج و مرج و اغتشاش، یک دیکتاتوری مثل دیکتاتوری رضاخان را سر کار بیاورد؛ همان چیزی که یک بار در اوایل این قرن در دوره‌ی رضاخان و یک بار هم در ۲۸ مرداد در ایران تجربه شد. ۲۸ مرداد هم همین طور شد؛ گروهی از ایادی داخلی آنها تبلیغات و جنجال و هیاهو راه انداختند و اغتشاشگران به خیابانها ریختند. به دنبال آن، کنار زدن روحانیت و ناامیدی مردم و آمدن آمریکا بود، و دیکتاتوری سخت و سیاه دوران محمدرضا آغاز شد. امروز، می‌خواهند آن کارها را بکنند.

البته، مردم بیدارند و امروز آن روزها نیست. امروز، روزی نیست که آمریکا بتواند مثل ۲۸ مرداد یا انگلیس مثل دوران رضاخان عمل کند. جوانهایی که در این کشور برای دفاع از اسلام آماده هستند، این خانواده‌ها، این پدر و مادرها، این زن و مرد مؤمن و آگاه و غیور، امروز ملتی را تشکیل داده‌اند که اسوه و نمونه‌ی ملت‌هاست.

ملتهای دیگر به شما نگاه می‌کنند و از شما تعلیم و پیام می‌گیرند. تا شما سرپا ایستاده‌اید - که ان شاء الله به فضل الهی همیشه همین طور خواهد بود - امید و شوق ملتهای مسلمان به اسلام روزبه روز بیشتر خواهد شد. و ان شاء الله، پایه‌های استکبار به دست ملتهای اسلامی متزلزل خواهد شد و فرو خواهد ریخت.